

تحت شعاع قرار گرفتن فضای آزاد اندیشی

در برنامه پرسش و پاسخ دانشجویان از مسئولین از طرف مجمع سوالی پرسیده شد که به نوعی فرصتی برای پاسخ به آن پیدا نشد. لازم است قبل از بیان کردن سوال، توضیحاتی پیرامون سوال و دلایل آن دهم. اول از فضای آزاد اندیشی دانشگاه شروع کنم و به صورت مختصر بیان کنم. همانطور که میدانید و رهبری هم تاکید دارند، دانشگاه باید فضای آزاد اندیشیدن و آزاد حرف زدن داشته باشد. دانشجویان باید تحلیلی کنند و لو اینکه اشتباه باشد. شاید عده ای بگویند اینجوری انحراف پیش می آید. اینجوری برخی تفکرها را و عده ای عاصی رشد می کنند که نباید رشد کنند. ممکن است ضربه وارد شود به اندیشه ای بیجه یا و طبق همین دلایل اجازه نشر تفکر و صحبت را ندهند. باید گفت: نه آقا جان. انسان در تضاد رشد می کند. تفکرها هم و توج فکرها بیان شوند. نباید کسی را به دلیل حرفی حذف کرد. این حرف زدن ها خطرناک نیست بلکه باعث رشد است. به فرموده مقام رهبری در این صحبتها و تضادها حق خودش را نشان می دهد. پس باید حرف ها بیان شوند تا حق خودش را مشخص کند.

آزاد اندیشی، چگونه؟؟؟

حالا مشکل کجاست:

عده ای خود را حق می بینند و نمی خوانند حرف های دیگران زده شوند و شاید خود را حق نمی بینند و از روی دلسوزی برای اسلام، سعی دارند یکسری حرف ها گفته نشود. یعنی همان سانسور کردن و عطف کردن بقیه از روی دلسوزی!!! از آن جا که فضای دانشگاه باید فضای آزاد اندیشی باشد، عده ای حرف هایشان را می زنند و حتی بعضی برای بیان حرف هایشان مجوز گرفته اند. و هستند کسانی و شاید ارگان هایی که نشریات را کنترل می کنند و حمایت دارند نسبت به بعضی اشخاص و حرف ها. این ها ممکن است بعضا در فضای دانشگاه دعالت کنند و فشار بیآورند به دانشجو و یا از مسئولین بخواهند که فشار آورده شود، که یعنی همان عطفان.

جناب آقای هرنیدی لطفا این موضوع را برای ما تبیین کنید و بگویید که برنامه بت راهکاری برای این موضوع دارید؟

تست نقدپذیری



۱۶ آذر روز دانشجو و استکبار ستیزی بهانه ای شد برای آنانی که خواسته یا ناخواسته در پازل دشمن قرار گرفتند. در مراسمی که با عنوان آیین بزرگداشت روز ۱۶ آذر در دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار شد، اتفاقاتی افتاد که به بنیان گذار انقلاب و آرمان های انقلاب بی احترامی شد. و به گونه ای می توان گفت پازل دشمن را تکمیل کردند. بله... خطاب ما با شمامست آقای روحانی. آقای روحانی چطور شعار حمایت از نقد سازنده می دهید ولی منتقدان را یک مشت ناز به دوران رسیده می نامید؟؟ و همچنین اجازه سخنرانی به تشکل های دانشجویی در روز دانشجو نمیدهید و در نوجیه آن گفته می شود که بعضی خودشان نخواستند صحبت کنند و بعضی هم به نصوصی هیبت نظارت نرسیده بود؟ از طرفی هم سخنرانی بعضی افراد در بعضی دانشگاه ها لغو میشد؟

ایا همه این ها اتفاقی است یا طبق برنامه ریزی قبلی است؟ این را از آنجا می گویم که بعضی اشخاص مثل آقای غفاری (که فتنه گری او بر همگان آشکار است)، در دانشگاه علوم پزشکی شیراز حاضر می شود و حرف هایی به زبان می آورد که بعد از سخنرانی وی، هیچ مسئول دانشگاهی و استانی مسئولیت دعوت او را نمی پذیرد. همه این کارها معرف آن است که شما در ظاهر شعار نقد پذیری می دهید ولی در واقع فقط ژست انتقاد پذیری گرفته اید. اینک بگذریم به شعار برخی دانشجویان حاضر در جلسه (پیام ما روشنیه حصر باید بشکنه) و واکنشی که نشان ندادید هیچ و گفتید راه ما و مسیر ما، همان مسیری است که از روز اول به شما وعده دادیم. عهد ما با شما شکستی نیست. همچنین در مقابل دیدگانتان به عکس امام (ره) بی احترامی شد ولی شما موضعی نگرفتید. از حرف های شما (نمیخواهد نسبت به آینده و ارزش های انقلاب و ارزش های اسلام دل نگران باشند) پیداست که زیاد دل نگران ارزش های انقلاب و اسلام ناب نیستید. ولی این را باید دانست که نظام جمهوری ایران اسلامی است یعنی همه ی پایه های آن بر اساس اسلام ناب استوار است. پس انتظار نداشته باشید که به اسلامیت نظام نوجویی نکنیم و الاسلام.

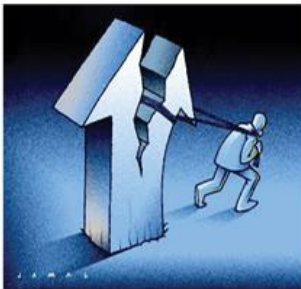
منطق ابوسفیانی

آیا مسئولین انقلاب اسلامی هم منحرف می شوند؟

حالا ضربه زدن می باشد. ما باید حواسمان به مسئولین اطرافمان باشد. باید مسئولین را زیر نظر داشت. باید از تاریخ عبرت گرفت و این بار اجازه ندهیم تفرقاتی غیراز تفکر اسلام ناب و انقلابی به زیر پوستین اسلام بخزد. این بار اسم ما در تاریخ می آید و ما را لعن و نفرین می کنند.

حواستان به مسئولین باشد این تفکر که وجود دارد نباید بر ما حاکم شود...

• لزوم شناسایی این چنین تفرقاتی، اشتیابی با مبانی اصیل انقلاب اسلامی و اسلام ناب است.



بیست سال پس از حکومت حضرت علی علیه السلام جامعه اسلامی بود ولی نبود. بر مآذنه ها شعار توحید سر داده می شد، در جامعه قرآن آموزش داده می شد، در مساجد نماز برگزار می شد. افرادی در جامعه بودند که حافظ روایات بسبار زیادی بودند، حافظان قرآن حضور داشتند....

خلاصه ساختار و اسم و رسم ها اسلامی بود؛ اما خطری در لایه های زیرین وجود داشت. خطر تفکرها.

ساختارها به اسم اسلام اما تفکرها و متعلق های حاکم بر ساختارها اسلامی نبودند. متعلق های ابوسفیانی پس از بیست سال آرام آرام به زیر پوستین اسلامی خزیده و جان تازه ای گرفته بودند. ظاهر اسلامی اما باطن، ذبح اسلام.

در واقع برای ضربه زدن به اسلام ساختارها را به نام غیراسلامی تغییر نمی دهند بلکه متعلق و تفکر حاکم بر ساختار را تغییر می دهند. حق را به باطل شبیه می کنند.

انقلاب ما نیز از این خطر در امان نیست و این متعلق کتف ضربه زنده، آرام آرام به زیر پوستین اسلام می خزد. این تفکر کما بیش در بین مسئولین جامعه خودمان دیده می شود.

مسئول جمهوری اسلامی را با ظاهری کاملا اسلامی به اضافه رش و تسبیح و تفرکی غیر انقلابی در حال خدمت می بینیم. مسئولی که دلسوزانه و یا غیردلسوزانه، خواسته یا ناخواسته، خوداگاه یا ناخوداگاه با تفکرش در

خرید سربازی!!!

سربازی حتما در اخبار امروز شنیدید که کسانی که تا هشت سال از خدمت سربازی فراری بوده اند می توانند کارت پایان خدمت را به قیمت ۱۴۰۰ تا ۵۰ میلیون تومان خریداری کنند!

وقتی به ظاهر کار توجه کنیم شاید قضیه خیلی بریمان آشکار نباشد اما کدام قشر از مردم توانایی خرید و پرداخت این مبلغ را دارند؟

آقا ارکان و فرزندان ثروتمندان در منزلشان نشینند و فرزندان مستضعفین و فقرا در مرزها برای حفظ امنیت همان آقازاده ها توسط پزاه و ریزگی و... کشته شوند؟ چرا ظلم می کنید و این شانس "شهادت" را از آقا زاده ها سلب می کنید؟

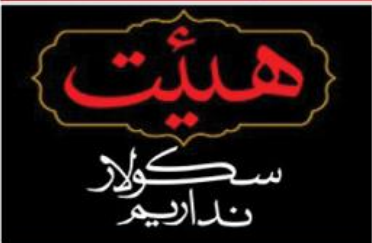
به فکر افغیا هستند یا کشمیرشان به ته دیگ خورده که خدمت الزامی را به حراج گذاشته اند؟

پول پرستی

یعنی اینجور چیزا را هم می شود با پول خرید؟

اگر پولدار بودن ملاک کافی برای خرید هر چیزی باشه، پولدارتر از ماهایی وجود دارند که دنیا رو بگیرن و بشیم زیردستانشان. اینگونه جامعه به طبقه پولدار و طبقه مستضعف و فقیر تبدیل می شود. به پولدارها فقط بخاطر وجود "پول" مزایا و امتیازات ویژه ای تعلق میگیره. "پول" معیار و شاخص امتیاز دادن می شود. این یعنی سیستم پول محور. در این سیستم پول است که قدرت را تعیین می کنه. باید پول دوست شویم پول پرست شویم تا رفاه کسب کنیم.

قیام قسط آزاد شد



فرازهاک ذیل از امام موسی از بهترین جملاتی است که درباره فلسفه عاشورا و قیام سیدالشهدا خوانده ام انگار همین امروز و ناظر به نوع تعظیم شعائر و اقامه مناسک ما ایران شده است:

من نمی‌توانم سوگواری برای امام حسین را در کمر منکر آنکه بتواند قهرمانی را ثبت کند؛ کسان را فریبت کند که در برابر سنگر بایستند و در برابر حاکم سنگر سخن حق را بگویند. این است مناسی حسین و مناسی عزاداری برای امام حسین - (سفرشهادت، ص ۷-۱۰)

سوگواری امام حسین، افراد خوار و ذلیل پرورش نمی‌دهد. [مرد] گریه کن پرورش نمی‌دهد. عزای امام حسین، انسان‌هایی حسینی پرورش می‌دهد. انسان‌هایی که همانند امام حسین سکوت کردن در برابر سنگر را رد می‌کنند. زلفی پرورش می‌دهد همچون زینب که پیکر برادرش را بلند می‌کند و می‌گوید: «خدا یا این فریاد را از ما بپذیرد» آیا این گریه است؟ آیا این بسنده کردن به گریه است؟ این مجالس سوگواری و این مکان همچون مدرسه ای است که به ما علم می‌آموزد، ما را پرورش می‌دهد و ایستادن را تقویت می‌کند. (همان‌ص ۱۱)

اگر گریه کنیم، ولی در صف باطل باشیم؛ اگر گریه کنیم، ولی گواهی دروغ؛ اگر گریه کنیم، ولی به دشمنان کمک کنیم و به اختلاف و تفرقه در جامعه خود دامن زنی؛ اگر گریه کنیم، ولی گناه مان بیشتر شود، در ایستادگی ما گریه می‌کنیم، ولی در عین حال حسین را نیزی کشیم؛ زیرا تلاش می‌کنیم هدف حسین را ازین بیزیم که گرانهاوار خود لوست. ان‌شالله ما ازین دسته نیستیم. (همان‌ص ۱۲۵)

گریستن و برپا کردن مجالس کافی نیست. حسین به این‌ها نیازی ندارد. حسین شهید راه اصلاح است. «اما خروجت لطلب الإصلاح فی امة جدی» پس اگر در جهت اصلاح است جدش کوشیدیم، او را یاری رسانده ایم و اگر سکوت کردیم یا مانع اصلاح شدیم او را و باطن‌هایم و یزید را کمک کرده‌ایم. (همان‌ص ۲۷)

من حسینی که به رنج دیدگان اهتمام نوزده نمی‌شناسم. به حسینی که شهید گریه می‌بلندش ایمن ندارم. من به گریه و زاری برای سبک شدن و تغلیب همچنان و ناراحتی ایمان ندارم ایمان من این است که امکان ندارد امام حسین جز برای احقاق حق کشته شده باشد. (همان‌ص ۱۰۵ - ۱۰۶)

ما بر حسین بسیار می‌گوییم، اما هرگز در گریه متوقف نمی‌شویم. گریه ما برای تو کردن لشوه‌ها و کینه‌ها و میل به انتقام و خشم بر باطل است. این‌ها انگیزه ما برای گریه است. (همان‌ص ۳۲)

چرا از به خاک افکنده شدن امام حسین یاد می‌کنیم آن را در مقابل می‌خوانیم؟ ناله‌ها و شین‌های دلخراش. ما چرا در صحنه به صحنه می‌خوانیم تا با لاجبت را بشنویم و آریم و خطر ستم پیشگان و سنگلی شان را دریابیم و همچنین، ایام فداکاری و تأثیر آنرا بفهمیم. پس ما تنها به شین بسنده نمی‌کنیم و حسین را فقط شهید اشکها نمی‌دانیم و بر آنیم که تکلیف ما فقط با عزاداری به انجام نمی‌رسد. اگر در تاریخ نبرد میان حق و باطل، واقعه کربلا را از منظر زمانی خود خارج سازیم و آنرا با گذشته پیوند دهیم، به طور طبیعی حادثه با آینده هم پیوند می‌خورد. چنان که می‌گوییم: سیرت ولایت آدم و نوح و موسی و عیسی (ع) است امام صادق و باقر و رضا (ع) سیرت دار او هستند. هر کسی که با باطل می‌سنجید و همه اول و حیات خود را در راه دفاع از حق تقدیم می‌کند، سیرت دار لوست. (همان‌ص ۳۲)

ما تنها به شین بسنده نمی‌کنیم و حسین را تنها شهید اشکها نمی‌دانیم و بر آنیم که تکلیف ما فقط با عزاداری به انجام نمی‌رسد. (همان)

وقتی که انسان مسافر درمی‌یابد که نبرد امام حسین با گذشته و آینده پیوند دارد، درنگ می‌کند و در برابر دو چپه آشوبش می‌ایستد تا صف خود را انتخاب کند. (همان‌ص ۲۷)

دراین روزهای برادر کشی جای امام موسی بیشتر از همیشه خالی است.

نشریه قیام قسط حدود اردیبهشت ماه پنج پیش یا توجه به قوانین نشریات سه سال تعلیق شد. بعد از پیگیری و اعتراض به حکم، این مدت به یک سال تعلیق یافته اما دیگر اعتراض ما کار ساز نشد. در این توج و با تغییر معاونت فرهنگی، مشکلات پیش آمده و پیگیری دوباره مشخص شد که این نشریه مشمول موارد قانونی بوده و ما این جهت توانستیم حرف - نمایان را بر زمین. از معاونت فرهنگی بخاطر تلاششان و رفع تبعیض و حکم نامادانه تشکر می‌کنیم.



*** مخافظه کاری**

بعضا در مسئولین (دانشگاهی - شهری - کشوری) روحیه مخافظه کاری دیده می‌شود. البته این عجیب و تازه نیست و حتی حضرت آقا هم گفتند آزمائش‌های دانشجوی در کنار «مخافظه کاری» مسئولین برآیند مناسی را می‌دهد. این جمله نشان می‌دهد که در مخافظه کاری را می‌توان در بین مسئولین یافت. در جمله ای دیگر فرمودند که مخافظه کاری هنگام انقلاب است. که نتیجه می‌شود مسئولین نباید مخافظه کاری داشته باشند.

چرا برخی مسئولین حفظ منافعشان آنها را از انجام برخی امور باز می‌دارد؟ آیا نگران پست و مقام شان هستند؟ آیا دوستی منطقی و میز را چسبیده اند؟ آیا بیانه شرع زدنشان به انقلاب، جایگاهشان هست؟ واهمه دارند اگر برنامه ای انجام شود از طرف حزب یا جناح خاصی از کار برکنار شوند؟

کدام اسلام؟؟؟

بناوی اسلام سرکار داریم که می‌گوید: هسته برو و هسته یار. کاری به جامعه هم نداشته باشی باز هم دین داری. اگر فقط نماز و روزه و منویات را انجام دادی باز هم مسلمان هستی. لازم نیست بخاطر بقیه خودت را ازیت کنی. نباید منافع خودمان را به خطر بیندازیم. در حالیکه تفسیر دیگری از اسلام در مقابل این اسلام بی‌رگ می‌گوید: اسلام دین مبارزه هست. دین پویا هست. دین ضد ظلم و تبعیض و فساد هست. دینی که با بیان منویات آن باید تن ظلم بی‌لرز و مظلوم امینوار شود. دینی که وقتی حرف می‌زنی ممکنه آزارش جلسه و محاسا عده ای خاص از جمله گردن کلفتان و مسئولین سلب کند. جو را به هم زند چون بالاخره باید عده ای برسد و عده ای امینوار شوند. دینی که در آن باید بعضی حرف‌ها را مرکز زد و ترمیم. دینی که با مخافظه کاری هم خوانی ندارد.

با این توضیحات به این نتیجه می‌رسیم که طبیعتا بعضی حرف‌ها فضا را تغییر می‌دهد و جو حاکم را می‌شکند.

پس این چه پیش فرضی هست که بعضی مسئولین قائل هستند نباید وضعیت حال به هم ریخته شود؟ آیا پیش فرض نادرست است. نباید به کسی بخاطر به هم زدن فضای موجود فشار آورده شود و یا جلوی آن را بگیرند.

این را هم اضافه کنیم، از بعضی‌ها جای سوال دارد که برای کدام اسلام می‌کنی؟؟؟ اسلام یا اسلامی که خودمان ساختیم؟؟



چرا فرهادی؟

بالاخره وزیر علوم با رای اعتماد حاکمیتی و کلاهی انتخاب شد. ملت

محمد فرهادی که در کارنامه خود تصدی وزارت فرهنگ و آموزش عالی را در زمان میرحسین موسوی و تصدی وزارت بهداشت را در زمان خاتمی دارد در حالی تصدی وزارت علوم را بدست گرفت که با جمله می‌گفت: «فقه خط قرمز ماست» اعلام برابرت از فتنه و فتنه گران کرد. سوال اینجاست که ملاک و کلاهی ملت برای دادن رای اعتماد چه بود و چرا اعتماد کردند؟؟ آیا جمله ایشان باعث رای اعتماد مجلس به ایشان شد یا چیزی بگردن داشتن ایشان؟؟؟ آیا صرف گفتن «فقه خط قرمز ماست» برای رای اعتماد کافی است یا باید در عمل هم ثابت میشد؟ چه دلیلی باعث شد بعد از آن همه کش و قوس میان دولت و مجلس نفعی صورت بگیرد؟ اگر واقعین باشیم میبینیم که آقای فرهادی با وزاری پیشنهادی قبلی هیچ فرقی از لحاظ ملاک انتخاب مجلس ندارد، پس

چرا این گزینه رای اعتماد مجلس را بدست آورد؟ شاید برای مجلسی‌ها این کافی باشد که وزیر علوم با صحبت (ونه عمل) از فتنه اعلام برابرت کند، اما این نکته خود را برای وزاری پیشنهادش تغییر داده است. ولی امیدواریم که قابل توجه است که دولت استراتژی پست حساس وزارت علوم توسط بعضی بازپچه ای برای رسیدن به اهداف خاصی نشود و با توجه به برنامه ریزی های آقای فرهادی رشد علمی چشمگیری را در این دوره داشته باشیم.